

# بررسی رابطه بین عملکرد پلیس و احساس امنیت زنان

## (مورد مطالعه: شهر شیراز)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

مریم فرج پور<sup>۱</sup>، احمد علی گودرزی<sup>۲</sup> و احمد ایزدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** زنان نیمی از استعدادها و نیروی بالقوه جامعه می باشند و نبود آنها در موقعیت‌های کلیدی به دلیل عدم احساس امنیت، برای جامعه یک فقدان تأسف بار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین عملکرد پلیس و احساس امنیت زنان در شهر شیراز انجام شده است.

**روش:** این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه آماری آن را زنان بالای ۱۵ سال شهر شیراز تشکیل داده اند و از طریق نمونه‌گیری خوشه ای، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و با پرسشنامه‌های روا و پایا (آلفای کرونباخ پرسشنامه عملکرد پلیس، ۰/۹۰ و آلفای پرسشنامه احساس امنیت، ۰/۸۰) مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با کمک آزمون همبستگی پیرسون تحلیل شدند.

**یافته‌ها و نتایج:** پژوهش میزان احساس امنیت زنان را در شهر شیراز در تمامی ابعاد متوسط ارزیابی نموده و نشان داد بین عملکرد پلیس و تمامی ابعاد احساس امنیت زنان به جز امنیت شغلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بنابراین با بهبود عملکرد پلیس، زنان در جامعه احساس امنیت بیشتری خواهند داشت. **واژه‌های کلیدی:** عملکرد پلیس، احساس امنیت، زنان، شیراز، امنیت.

۱. دانشجوی دکتری مهندسی هسته ای، دانشگاه شیراز، دانشکده مهندسی هسته ای، شیراز، ایران (مریی پژوهشگاه علوم انتظامی و

مطالعات اجتماعی ناجا) نویسنده مسئول؛ maryamfarajpour1356@gmail.com

۲. دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، مرودشت، ایران

۳. دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، مرودشت، ایران

## مقدمه

امنیت<sup>۱</sup> به معنای فقدان عوامل تهدید کننده فرد به لحاظ جسمانی و روانی و همچنین بروز عوامل از بین برنده نظم است و احساس ایمنی، زمانی حاصل می‌شود که فرد در درون خود احساس کند که تهدید نمی‌شود. احساس امنیت<sup>۲</sup> نیز در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه بر می‌گردد. در تطابق بروز حس امنیت و وجود امنیت واقعی در جامعه، دو بعد متمایز از یکدیگر وجود دارد: از سویی ممکن است افراد در حالی در یک جامعه احساس امنیت کنند که عوامل تهدیدکننده، ضریب امنیت اجتماعی را پایین آورده است و از سوی دیگر در برخی از جوامع با وجود بالا بودن ضریب امنیت اجتماعی و پایین بودن عوامل تهدیدکننده و برهم زننده نظم، مردم با احساس ناامنی مواجه باشند. به طور مثال در سال ۱۳۸۴ نرخ سرقت منازل در ایران، دو مورد در هزار و در انگلیس ۲۰ مورد در هزار بود. باوجود این و در حالی که این مقایسه نشان می‌دهد ضریب امنیت در ایران بالاتر از ضریب امنیت در انگلستان و آمریکا است، اما احساس امنیت شهروندان ایرانی کمتر از احساس امنیت شهروندان انگلیسی بود. این امر نشان می‌دهد که در کشور ما به دلایل مختلف، احساس ناامنی در مردم بر احساس امنیت غلبه دارد، در صورتی که در اغلب کشورهای به ظاهر امن جهان موضوع بر عکس است (کاهه، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

اگرچه داشتن امنیت اجتماعی به زنان محدود نمی‌شود و مردان نیز این حق را دارند که در رفاه و آسایش به امور روزمره خود بپردازند، اما امنیت زنان بیشتر مورد تهدید قرار می‌گیرد و به همین دلیل، احساس امنیت زنان نیازمند توجه بیشتری است (مظلوم خراسانی و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۲۲۰). از طرفی زنان نیمی از استعدادها و نیروی بالقوه جامعه هستند و عدم حضور آنها در موقعیت‌های کلیدی به دلیل عدم احساس امنیت، برای جامعه یک فقدان تأسف بار است و بنابراین مسائل زنان باید مورد توجه قرار گرفته و برابری فرصت در آموزش و تحقیق، در محیط کار و در همه مشاغل مربوط به شهر و برنامه‌ریزی، فضای شهری، مسکن، تحرک و امنیت برای آنان فراهم شود (زنجانی زاده، ۱۳۸۰: ۶۰۷).

احساس ناامنی برای همه افراد و به طور خاص برای زنان می‌تواند عوارض و ضایعات روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی برجا گذارد. از نظر گرابوسکی<sup>۳</sup>، احساس ناامنی ممکن است اثرات دراز مدتی بر کیفیت زندگی و بهروزی اقتصادی و اجتماعی، به خصوص بر قشر آسیب پذیرتر

جامعه یعنی زنان، داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). از نظر لیسکا، لاورنس و سانچیریکو<sup>۱</sup>، ترس از ناامنی می‌تواند تاثیرات روانشناختی گسترده‌ای، شامل اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی را در زنان ایجاد کند و در نتیجه فعالیت‌های اجتماعی آنها محدود شود، که این خود می‌تواند تبعات بسیاری داشته باشد. روی آوردن به استفاده از سگ (که در جامعه ما موجب واکنش‌های منفی در مردم می‌شود)، اسلحه (که در کشور ما، منع قانونی دارد) و سایر تجهیزات ایمنی نیز راهکاری است که ممکن است زنان به آن پناه ببرند و این خود حائلی امنیتی در روابط اجتماعی آنان با دیگران ایجاد می‌کند (لیسکا، لاورنس و سانچیریکو، ۱۹۸۲). امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنان را در شهر محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متاثر خواهد کرد (استامپ و کارن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۳۱۱).

بر اساس قانون تشکیل نیروی انتظامی، پلیس با ۲۶ وظیفه که برای آن احصاء شده، از عوامل اصلی تولید امنیت در داخل کشور محسوب می‌شود و سازمانی است که ساختار زندگی، برنامه ریزی اقتصادی و سیاسی افراد و جامعه را با تولید امنیت، به نحوه عمل خود مشروط می‌سازد. اگر پلیس بتواند نقش خود را به نحوی مناسب ایفا نماید و درخواست‌های شهروندان را پاسخ دهد، می‌تواند در تمامی سطوح زندگی و فعالیت‌های شهروندان موثر باشد (راعی دیزج، گلایی و امین پور، ۱۳۹۲). حاصل تلاش پلیس در مبارزه با مظاهر بی‌نظمی و قانون شکنی، امنیتی است که از آن با عنوان امنیت عمومی یاد می‌شود. اندیشمندان معتقدند که امنیت عمومی چنان که از نام آن بر می‌آید، با حراست از زندگی عموم مردم، سفید یا سیاه، زن یا مرد، تحصیل کرده یا بی‌سواد، کرد یا لر و غیره مرتبط است. حفظ جان، مال و کلیه شئون زندگی شهروندی در سایه امنیت عمومی فراهم می‌آید و پلیس این وظیفه مهم را در بین تمامی اقشار بر عهده دارد (نگاهیان، ۱۳۹۳: ۳).

اگرچه نیروی انتظامی بنا به وظایف ذاتی و قانونی خود، با اخلاگران نظم و امنیت برخورد می‌کند و متناسب با شاخص‌های موجود امنیت قابل قبولی را در جامعه ایجاد نموده، ولی نتایج پژوهش‌های مختلف از طریق مراجعه به افکار عمومی این واقعیت را نشان می‌دهند که احساس امنیت به ویژه در میان زنان به اندازه امنیت واقعی وجود ندارد این امر احساس امنیت زنان را نیازمند توجه ساخته است. این پژوهش قصد دارد رابطه عملکرد پلیس را با احساس امنیت زنان در شهر شیراز بررسی کند و بنابراین فرضیه‌های

زیر بررسی می‌شوند:

- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت عمومی زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت جانی زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت فردی زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت شغلی زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

**مبانی نظری:** در این بخش مبانی نظری پژوهش بررسی می‌شود.

**احساس امنیت:** در یک دسته بندی کلی، می‌توان نظریه‌های ارائه شده در زمینه احساس امنیت را به دو دسته کلی تقسیم نمود: اول، رویکردهای مبتنی بر ارزش که به دو دسته ارزش‌های ذهنی و عینی تقسیم می‌شود و دوم، رویکردهای مبتنی بر تاثیر محیط فیزیکی و فضا بر احساس امنیت.

**رویکرد مبتنی بر ارزش:** این رویکردها بر تاثیر دو گروه از ارزش‌ها (عینی و ذهنی) بر احساس امنیت تاکید دارند. رهیافت نظری که بیشتر به ارزش‌های عینی بها می‌دهد، به رهیافت دولت محور و قدرت محور مشهور است. مطابق این رویکرد مسئولیت برقراری امنیت به طور کلی به عهده دولت است. در واقع دولت با دو روش مستقیم (مانند پلیس و دستگاه‌های قضایی) و غیرمستقیم (خانواده و بیشتر از طریق آموزش و پرورش) امنیت را در جامعه برقرار می‌کند. هر چه قدرت دولت بیشتر باشد، بهتر می‌تواند امنیت را در جامعه برقرار کند. به عبارت دیگر دولت مهم‌ترین منبع تحقق احساس امنیت برای افراد جامعه می‌باشد. رویکرد دولت محور و قدرت محور مبتنی بر تفکرات توماس هابز است؛ هابز معتقد بود انسان‌ها شرور هستند، یعنی ذات انسان شر است و انسان در برابر دیگر انسان‌ها در نقش گرگ است. در این تعریف انسان فقط دنبال منافع خویش است و ارزش‌های انسانی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین برای اینکه انسان‌ها کنترل شوند و نظم اجتماعی برقرار شود، باید دولت قوی وجود داشته باشد و با ابزار کنترل بیرونی امنیت اجتماعی به دست می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۸۹).

رهیافت نظری که بیشتر به ارزش‌های ذهنی و گروهی بها می‌دهد، به رهیافت جامعه محور و هویت محور مشهور است. این رهیافت معتقد است تهدیدات بیشتر علیه ارزش‌ها و هویت‌های گروه‌های اجتماعی است، در نتیجه امنیت اجتماعی زمانی به دست می‌آید که گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود نموده و ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند. پس مهم‌ترین منبع تحقق

امنیت اجتماعی خود جامعه و گروه‌های گوناگون موجود در آن است. این رویکرد امنیت یک گروه خاص در درون یک جامعه مانند زنان را با امنیت جهانی پیوند می‌زند و این امر بیانگر آن است که امنیت فراتر از تعهد دولت می‌باشد. در این رهیافت احساس امنیت اجتماعی از لحاظ معرفت‌شناختی پساپوزیتویستی است و انسان را به طور عینی و مشخصی تعریف نمی‌کند، بلکه او را به طور فرهنگی و از طریق بافت گروهی تعریف می‌کند (مظلوم خراسانی و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

رویکردهای مبتنی بر تاثیر محیط فیزیکی و فضا بر احساس امنیت: بر اساس این رویکرد، فضاها بر رفتار افراد تاثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفته شوند. این نظریه‌ها بر تاثیر شرایط محیطی، فضا و مکان توجه دارند و مفاهیمی مانند فضای عمومی و خصوصی و یا طراحی محیطی را مد نظر قرار می‌دهند. در این نظریه‌ها، اعتقاد بر این است که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد و نشانه‌هایی حاکی از انحطاط کالبدی محل سکونت و ضعف نظارت‌های اجتماعی، احساس ناامنی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۶). دربارهٔ تاثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت، نظریه‌ها بی شماری مطرح شده است. بر اساس این نظریه‌ها، فضاهای بدون دفاع شهری و فضاهایی که قابلیت بیشتری برای وقوع جرم دارند، موجب کاهش امنیت اجتماعی به ویژه امنیت اجتماعی زنان می‌شود. جیکوبز<sup>۱</sup> از نظریه پردازان شهرسازی است که در تبیین احساس امنیت، به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی‌ای که محیط را می‌سازند و به فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد فضای امن، توجه دارد. جیکوبز می‌گوید، آرامش فضای شهری ابتدا به وسیلهٔ پلیس تامین نمی‌شود، ولی با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش فضای شهری ابتدا به وسیلهٔ شبکه‌های ناخودآگاه و پیچیدهٔ اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. بنابراین او بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی تاکید می‌کند. به عقیدهٔ او بسیاری از رفتارهایی که موجب خشم، ترس و یا ناراحتی مردم در فضاهای شهری می‌شود و مردم را از استفادهٔ فضاهای عمومی منصرف می‌کند، به لحاظ قانونی، جرم نیستند و می‌توان آن‌ها را رفتارهای غیرمدنی نامید. او در زمینهٔ کنترل فضا، به متمایز کردن آشکار عرصهٔ عمومی و خصوصی اشاره می‌کند (طاهرخانی، ۱۳۸۱).

در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ میلادی اسکار نیومن نیز به برخی از عوامل فیزیکی موثر بر ایجاد ترس یا وقوع جرم پرداخت. او بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تاکید کرد و با ارائهٔ نظریه فضای قابل دفاع، عواملی مانند ایجاد قلمرو مناسب، احساس تعلق به مکان، امکان وجود نظارت و بهبود شرایط فیزیکی را

از راهکارهای کاهش ترس دانست. بنابراین نیومن معتقد است با استفاده از ساز و کارهای نمادین شکل دادن به عرصه‌های تعریف شده، می‌توان محیط را به کنترل ساکنانش درآورد. او در مورد کنترل فضا می‌گوید، محیط کالبدی باید دارای خصوصیتی مانند مکانیزم‌های نمادین مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده از عرصه‌های عمومی تا خصوصی باشد تا پهنه‌های مختلف درک شود. او درباره نظارت هم می‌گوید، باید فضای کالبدی نظارتی در فضا ایجاد کند تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن شود (مدیری، ۱۳۹۵).

نظریه پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی بر مبنای تغییر در محیط فیزیکی در سال ۱۹۶۰ م مطرح شد. کاهش رفتارهای مجرمانه با استفاده از طراحی محیطی، رویکرد اصلی این نظریه است. به عبارتی، ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می‌شود. در این رویکرد سیستمی، سلسله‌مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه‌های بن بست به کار گرفته می‌شود که راه فرار را بر مجرمان می‌بندد. به این ترتیب، در عین این که دسترسی عمومی را ممکن می‌کند، از تمایل غریبه‌ها در فضا می‌کاهد و به نوعی مانند محدوده ای بسته عمل می‌کند (گلی، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۴۷).

**عملکرد پلیس:** عملکرد به معنای اعمال واقعی و یا به عبارت بهتر رفتار کنونی افراد است که در حال حاضر نتایجی را به بار آورده است. اطلاعات د باره عملکردها یا نموده‌ها می‌تواند در برخوردهای مستقیم با افراد و نهادها بدست آید و یا بر پایه نقل قول‌ها، مدارک، ارزیابی و یا معرفی دیگران حاصل شود. عملکرد بهتر، امنیت بیشتری را سبب می‌شود و ارزیابی عملکرد با استفاده از روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. زتومکا<sup>۱</sup> معتقد است که در سنجش عملکرد می‌توان از شاخص‌های رفتاری، استنباطی و کلامی استفاده کرد. در بخش رفتاری می‌توان آنچه را که افراد انجام می‌دهند، اندازه‌گیری کرده و سنجید (هس و میلر، ۱۳۸۲؛ و پورموزن، ۱۳۸۹).

عملکرد پلیس در این پژوهش بیشتر از طریق شاخص‌های رفتاری سنجیده می‌شود. در پژوهش، حاضر سه شاخص برای سنجش عملکرد پلیس در نظر گرفته شده که عبارتند از: توانمندی عملیاتی، رفتار حرفه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی پلیس (هس و میلر، ۱۳۸۲؛ و پورموزن، ۱۳۸۹).

**الف) توانمندی‌های پلیس:** منظور از توانمندی پلیس، حضور به موقع در صحنه جرم، توانایی پیشگیری از جرم و دارا بودن امکانات و تجهیزات لازم و... است؛

**ب) رفتار حرفه‌ای پلیس:** اخلاق و رفتار حرفه‌ای پلیس با شاخص‌هایی چون: دارا بودن دانش حرفه‌ای

و مهارت تخصصی، برخورداری از آموزش پیشرفته، دارا بودن اصول اخلاقی، فرهنگ کاری و حرفه ای، دارا بودن شهرت اجتماعی و اعتبار عمومی سنجیده می شود؛

ج) **فعالیت‌های اجتماعی پلیس:** در این پژوهش منظور از فعالیت‌های اجتماعی پلیس، افزایش ارتباط پلیس با جامعه و اطمینان دادن به مردم (کاهش ترس شهروندان) از طریق پخش برنامه‌های ارشادی از رسانه‌ها، مشارکت عمومی، ایجاد نمایشگاه‌ها، راه اندازی سایت پلیسی و مانند آن است (راعی دیزج و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

**پیشینه پژوهش:** در این بخش پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در ارتباط با موضوع پژوهش مرور می‌شود.

سهراب زاده، بخشی و دعاگویان (۱۳۹۵)، در مقاله ای با عنوان «بررسی و تبیین تأثیر عملکرد پلیس جامعه محور بر احساس امنیت زنان در شهر تهران»، که با شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه در بین ۳۵۰ نفر از زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله تهرانی انجام شده، به این نتیجه رسیدند که بین عملکرد پلیس جامعه محور با احساس امنیت زنان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه‌ای معنادار و مثبت برقرار است.

اسدزاده، تقی زاده و محمدی (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان «تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان در استان خراسان جنوبی» به شیوه پیمایش بر روی ۴۰۰ نفر از شهروندان استان خراسان جنوبی انجام شده، به این نتیجه رسیدند که عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دید شهروندان تأثیر بالایی دارد.

راعی دیزج، گلایی و امین پور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عملکرد پلیس در ایجاد امنیت روانی سرمایه‌گذاران» که بر روی ۳۳۴ سرمایه‌گذار اقتصادی آذربایجان شرقی انجام داده اند، دریافتند که فعالیت‌های حرفه‌ای، فعالیت‌های اجتماعی و توانمندی عملیاتی، با امنیت روانی رابطه معنادار دارند.

محسنی تبریزی و حیدری (۱۳۹۰) در پژوهشی که با عنوان «سنجش و تعیین رابطه بین نحوه عملکرد پلیس انتظامی و میزان احساس امنیت اجتماعی» در بین زنان شهر زنجان انجام داده اند، نشان دادند که هر چه عملکرد پلیس بهتر باشد، به همان میزان زنان احساس امنیت بیشتری خواهند داشت.

در پژوهش دیاس، استامپ و کارنو<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در برزیل، نقش آرایش فضایی در احساس امنیت استفاده کنندگان بررسی شد. نتایج پژوهش آنها نشان داد که عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری

که بر اجزای محیطی و شناخت فضایی محیط‌های باز شهری دارند، بر کمبود احساس امنیت و افزایش جرم تاثیر دارند.

مطالعات نیومن درباره مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک که نتایج آن در کتاب «طراحی در شهر پر خشونت» در دهه ۱۹۷۰ م. منتشر شده نشان داد که امنیت اجتماعی در جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌های خاصی سهم اند تعریف می‌شود (اسمیت، ۱۹۹۶).

### روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه آماری آن را زنان بالای ۱۵ سال شهر شیراز تشکیل داده اند و از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و با پرسشنامه‌های روا و پایا (آلفای کرونباخ پرسشنامه عملکرد پلیس، ۰/۹۰ و آلفای پرسشنامه احساس امنیت، ۰/۸۰) مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با کمک آزمون همبستگی پیرسون تحلیل شدند.

### یافته‌ها

**الف) یافته‌های توصیفی:** تحلیل اطلاعات جمعیت شناختی جامعه این پژوهش نشان داد که بیشترین درصد پاسخگویان (۲۵/۸ درصد) از نظر سنی، در سنین بین ۲۶ تا ۳۰ سال و کمترین درصد پاسخگویان (۳/۵ درصد) در بازه سنی تا ۲۰ سال (۲۰ سال و کمتر) قرار دارند. از نظر تحصیلی، بیشترین درصد افراد (۴۲/۳ درصد) دارای تحصیلات دیپلم و کمترین درصد (۲/۵ درصد) از آنان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر قرار دارند. همچنین ۶/۲ درصد افراد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۷/۷ درصد مقطع راهنمایی و دبیرستان و ۱۳/۳ درصد نیز در مقطع فوق دیپلم و لیسانس قرار گرفته‌اند. ۷۱ درصد از پاسخگویان متأهل و بقیه مجرد هستند.

در جدول ۱ همچنین میانگین متغیرهای پژوهش از دیدگاه پاسخگویان ارائه شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، درصد زیادی از پاسخگویان عملکرد پلیس و احساس امنیت را به طور کلی، متوسط ارزیابی نموده‌اند.



جدول ۱: توزیع درصدی متغیرهای پژوهش از دیدگاه پاسخگویان

متغیر	بالا	متوسط	پائین
عملکرد پلیس	۱۲/۲	۷۱/۸	۷/۳
احساس امنیت اجتماعی	۷/۷	۵۵/۵	۳۶/۸
احساس امنیت جانی	۷/۸	۸۱/۳	۱۰/۳
احساس امنیت فردی	۱۵/۳	۷۱/۳	۱۳/۳
احساس امنیت شغلی	۱۰/۳	۸۱/۸	۷/۸
احساس امنیت عمومی	۱۲/۵	۷۱/۳	۱۶/۲

ب) یافته‌های استنباطی: برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از جدول شماره ۲ حاکی از آن است که با توجه به سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ می باشد؛ لذا، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد و با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب همبستگی پیرسون این نتیجه حاصل می گردد که رابطه ی بین عملکرد پلیس با احساس امنیت مثبت و معنادار می باشد؛ بدین معنی که هر اندازه عملکرد پلیس بهبود یابد به همان میزان احساس امنیت اجتماعی زنان نیز بیشتر خواهد شد.

جدول ۲: همبستگی بین عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی زنان

احساس امنیت اجتماعی زنان		متغیر وابسته مستقل مستقل
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۲	۰/۰۷۵	عملکرد پلیس

برای آزمون سایر فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: همبستگی بین عملکرد پلیس و ابعاد احساس امنیت زنان

نتیجه	مستقل مستقل: عملکرد پلیس		متغیر وابسته
	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
تایید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۱۶۰	احساس امنیت جانی
رد فرضیه	۰/۳۲۵	-۰/۰۴۰	احساس امنیت شغلی
تایید فرضیه	۰/۰۲۳	۰/۰۹۳	احساس امنیت فردی
تایید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷	احساس امنیت عمومی

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ با احتمال ۹۵ درصد:

- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت جانی زنان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. مقدار مثبت  $I$  پیرسون بدین معنی است که هر چه عملکرد پلیس بهتر باشد، زنان از لحاظ جانی احساس امنیت بیشتری می کنند. بنابراین فرضیه وجود رابطه بین عملکرد پلیس و احساس امنیت زنان تأیید می شود؛
- با توجه به مقدار ( $Sig= ۰/۳۲۵$ )، بین عملکرد پلیس و احساس امنیت شغلی زنان رابطه ای معنادار یافت نشد؛
- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت فردی زنان رابطه ای معنادار وجود دارد. همچنین با توجه به مقدار مثبت  $I$  جهت رابطه مثبت و مستقیم است؛ هر چه عملکرد پلیس بهتر باشد زنان احساس امنیت فردی بیشتری خواهند کرد؛
- بین عملکرد پلیس و احساس امنیت عمومی زنان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد؛ هر چه عملکرد پلیس بهتر باشد، به همان میزان زنان احساس امنیت عمومی بیشتری در جامعه خواهند کرد.

## بحث و نتیجه گیری

امروزه زنان همپای مردان به کار و فعالیت می پردازند و میزان قابل توجهی از وقت خود را بیرون از خانه می گذرانند، این در حالی است که آنان از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه محسوب می شوند و این امر لزوم توجه به امنیت آنان را خاطرشان می سازد. در این راستا از جمله وظایف مهم و اصلی دولت، ایجاد نظم در داخل و حفظ تمامیت کشور و جامعه در مقابل تهدیدات خارجی است. مقوله امنیت و اهمیت نقش و کارکرد پلیس در فراهم آوردن زمینه ها و بسترهای عملی و روانی تامین آن در جامعه، از جمله مباحث عمده در میان محققان و محافل امنیتی و انتظامی بوده است و این امر ضرورت بررسی و تحلیل ساز و کارهای درونی پلیس و تعامل آن با دیگر بخش های نظام سیاسی به جهت ایفای هرچه بهتر رسالت خطیر آن در تامین احساس امنیت زنان جامعه را می طلبد. احساس امنیت در دو سطح فردی و اجتماعی در جامعه می تواند تبلور یابد. با توجه به این اهمیت پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی رابطه بین عملکرد پلیس و احساس امنیت زنان شیرازی انجام شد. جهت نیل بدین هدف از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای، ۴۰۰ نفر از بانوان بالای ۱۵ سال این شهر انتخاب و با ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند. داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیف (فراوانی، درصد و ...) و در سطح استنباط (ضریب همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله به طور خلاصه حاکی از آن است که بین عملکرد پلیس و

تمامی ابعاد احساس امنیت زنان به جز امنیت شغلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ بدین معنی که با بهبود عملکرد پلیس، زنان در جامعه احساس امنیت بیشتری خواهند داشت.

این یافته با نتایج حاصل از پژوهش سهرابزاده و همکاران (۱۳۹۵)، ربانی (۱۳۸۹)، کامران (۱۳۸۹)، نوروزی (۱۳۸۸) و محمدی (۱۳۹۰) در یک راستا قرار دارد. در تبیین این یافته باید بیان داشت از آنجا که پلیس یا نیروی انتظامی مهمترین تشکیلات مقابله کننده با اعمالی است که به طور مستقیم با امنیت، حیثیت و تمامیت زندگی آحاد جامعه، به ویژه قشر آسیب پذیر جامعه یعنی زنان، ارتباط دارد، می تواند حافظ و مسئول حفظ امنیت زنان باشد که ابتدا با انجام صحیح به وظایف و تکالیف در چارچوب قواعد علمی احساس امنیت در افکار عمومی را نهادینه کرده و با بهره گیری از این حس که تماما ذهنی است به توسعه امنیت در میان زنان می پردازد. در تبیین احتمالی دیگر باید اذعان داشت که راهبرد و خط مشی انتظامی که با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جرم و جنایت، توسعه کیفیت زندگی، توسعه سرمایه های اجتماعی و مشروعیت کار پلیس مبتنی است منجر به احساس امنیت در میان زنان می شود.

پلیس با عملکرد بهینه خویش (حضور به موقع در مکان هایی که جرم انجام شده و ...) می تواند آرامش، اطمینان، اعتماد نظم و بالاخره امنیت همه جانبه در جامعه بانوان و به ویژه خانواده ها را ایجاد کند. از آنجا که امروزه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند و در تمامی عرصه های سیاسی، اجتماعی و نظامی حضوری فعال و همه جانبه دارند، نیاز به ارتقاء عملکرد پلیس جهت انجام امور مربوط به بانوان و اصلاح ناهنجاری ها و تخلفات مربوط به بانوان بیشتر از همیشه احساس می شود. همچنین با ورود آن ها به دانشگاه و پذیرش نقش ها و مسئولیت های متفاوت در جامعه و پیچیدگی این نقش ها، طبیعتاً در جامعه نیاز به امنیت بیشتر احساس می شود.

در راستای نتایج پژوهش پیشنهاداتی چند ارائه می شود:

- از آنجا که اولین تهدیداتی که متوجه احساس امنیت فردی و اجتماعی هست خطراتی است که متوجه جان و مال اشخاص و نیز اموال عمومی می شود، بنابراین دولت باید خود را مجهز به ابزار و وسایلی کند که بتواند وظایف سنگین خود را در خصوص تامین امنیت جانی و مالی همه ی اقشار بالاخص زنان به انجام برساند؛

- برای حمایت از زنان با توجه به احساسات و عواطف آنان، به نظر استفاده از پلیس ویژه بانوان می تواند در جهت تامین احساس امنیت آنان مفید باشد؛

- از آنجا که جوامع مختلف به نسبت شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جمعیتی با ناهنجاری‌ها و جرائم گوناگونی مانند سرقت، قاچاق، قتل، کلاهبرداری و ... روبه رو می‌شوند که موجبات احساس ناامنی را فراهم می‌آورند؛ لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به نوع احساس ناامنی‌هایی که زنان دارند تلاش‌هایی در جهت بهبود عملکرد پلیس انجام گیرد.

- با توجه به مبانی نظری پژوهش و با توجه به اهمیت پلیس جامعه محور در احساس امنیت زنان، تمرکززدایی و تفویض بخشی از وظایف برقراری امنیت عمومی در شهر به شهروندان و سازمانهای محلی می‌تواند علاوه بر این که سرمایه اجتماعی پلیس را در میان زنان افزایش دهد باعث ارتقای احساس امنیت آنان نیز شود.

پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌هایی که در حوزه علوم انسانی انجام می‌شود با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله؛ از آنجا که نمونه موردی پژوهش حاضر صرفاً زنان شهر شیراز می‌باشد؛ لذا، در تعمیم آن به سایر نمونه‌ها و زنان شهرهای دیگر باید جانب احتیاط رعایت گردد. همچنین از آنجا که ابزار سنجش پژوهش پرسشنامه خوداظهاری می‌باشد این محدودیت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. با توجه به این محدودیت‌ها به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود از ابزار سنجش دیگری (به عنوان نمونه) جهت دستیابی به نتایج عمق‌تر استفاده نمایند، همچنین با انجام پژوهش در این رابطه به مقایسه احساس امنیت در شهرهای متعدد می‌تواند نتایج مثمر ثمری حاصل نمایند. به علاوه شاخص‌های احساس امنیت زنان در جامعه شناسایی و در جهت آنان پلیس اقدام به بهبود عملکرد خود نماید.

## منابع

- اسدزاده، فرشته؛ تقی زاده، ابراهیم و محمدی، یحیی (۱۳۹۵). تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان در استان خراسان جنوبی. پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی. سال نهم. شماره دوم، صص ۳۱-۴۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پورموزن، علی محمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانوادها (مطالعه موردی: شمال تهران). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. شماره سوم. سال دوم. صص ۱۰۱-۱۲۶.
- حسینی، حسین (۱۳۹۶). مدیریت احساس امنیت در جامعه، فصلنامه امنیت، سال ۶، شماره ۱: ۲۶-۱.
- حسینی، فرزانه (۱۳۸۷). بررسی و ارایه شاخص‌های کالبدی - کارکردی مؤثر بر ارتقای امنیت فضاهای عمومی شهری، نمونه موردی: پارک دانشجو. (پایانامه کارشناسی ارشد). رشته شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- راعی دیزج، توحید؛ گلایی، فاطمه و امین پور، فرشته (۱۳۹۳). بررسی تاثیر عملکرد پلیس در ایجاد امنیت روانی سرمایه

- گذاران (مورد مطالعه: سرمایه گذاران استان آذربایجان شرقی). فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی. سال چهارم. شماره دوم. صص ۱۱۵-۱۳۸.
- زنجان‌ی زاده، هما (۱۳۸۰). عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری. مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. دوره ۳۴. شماره ۴-۳. صص ۱۳۵-۱۲۰.
- سهراب زاده، مهران؛ بخشی، قدیر و دعاگویان، داود (۱۳۹۵). بررسی و تبیین تأثیر عملکرد پلیس جامعه محور بر احساس امنیت زنان (مورد مطالعه: کلانشهر تهران). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. سال ۴. شماره ۱۵. صص ۸۳-۱۰۹.
- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۷۵). همایش و توسعه امنیت عمومی. تهران: معاونت امنیتی وزارت کشور.
- طاهرخانی، حبیب اله (۱۳۸۱). ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری، مجله مدیریت شهری، شماره ۹: ۲۵-۱.
- کاهه، احمد (۱۳۸۴). مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه.
- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۴). راهکارهای تحقیق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱. تهران: انتشارات گلپونه.
- گلی، علی (۱۳۹۰). زنا و امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی پارک آزادی شهر شیراز). جامعه شناسی تاریخی. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۴۴-۱۶۵.
- مدیری، آتوسا (۱۳۹۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۶: ۲۸-۴۰.
- مرادی پردنجانی، حجت اله؛ صادقی، ستار؛ توکلی، عنایت الله و قاسمی، محمد (۱۳۹۲). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روانشناختی بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله استان چهارمحال و بختیاری). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال چهارم. شماره دهم. صص ۱۰۳-۱۱۶.
- مظلوم خراسانی، محمد و اسمعیلی، عطاء (۱۳۸۹). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد در سال ۸۶-۱۳۸۵ و عوامل مؤثر بر آن. مجله علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. دوره ۷. شماره ۲. صص ۲۵۱-۲۱۹.
- نوروزی، فیض الله و فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه راهبرد. سال ۱۸. شماره ۵۲. صص ۱۲۹-۱۵۹.
- نویدینیا، مؤده (۱۳۸۲). معمای امنیت اجتماعی. مطالعات راهبردی. شماره ۱۹. صص ۷۶-۵۵.
- هس، کارن ام. لیندا اس میلر. (۱۳۸۲) پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یکم. (رضا کلهر، مترجم). تهران: سروش.
- Day, K, C. Stump & D. Carreon .(2003). Confrontation and loss of control: Masculinity and Men's fear in public space. *Jornal of Environmental Psychology*. Vol. 23. Pp. 311-322.
- Dias, L .(2007). urban security and spatial behavior, syntactic and perceptual analysis of the central aera of Porto Alegre. 6th international space syntax symposium. Istanbul.
- Pate, Antony M., Wyckoff Marry Ann., Skogan, Wesley G., Sherman, Lawrence W.(1986). Reducing Fear of Crime in Houston ane Newark. [www.policefoundation.org](http://www.policefoundation.org).
- Smith, M. S. (1996). Crime Prevention through Environmental Design in Parking Facilities. National Institute of Justice. Washington D.C
- Vornanen, R., Torronen, M. and Niemela, P. (2009). Insecurity of young people: the meaning of nsecurity as defined by 13-17-year –old Finns, *Young*, 17 (4): 399-419.